گزارش

وقتی «اپرای عاشورا» از تعزیه وام می‌گیرد

اُپرای عروسکی عاشورا، نقطه انفصال اُپرای آیینی ـ ایرانی با اُپرای غربی است

«اُپرای عاشورا» مقدمه‌ای بر یک سنت خوب ایرانی و نقطه انفصال بین اُپرای ایرانی ـ آیینی از اُپرای غربی محسوب می‌شود. در تولید این اُپرا مهم‌ترین الگو، تعزیه به شمار می‌آید که مورد تحسین ایرانیان و غیر مسلمانان اروپایی نیز قرار گرفته است.

از قدیم‌الایام در ایران و دیگر کشورهای اسلامی در ایام ماه محرم به مناسبت شهادت امام حسین(ع) و یارانشان تعزیه‌ها و نمایش‌های آیینی و مذهبی زیادی برگزار می‌شد و ایرانیان نیز علاقه‌مند به تماشای این نمایش‌ها و تعزیه‌ها بودند، چراکه می‌خواستند برای عزاداری‌هایشان در غم شهادت امام و یارانش مویه کنند، بنابراین، این نمایش‌های دینی و مذهبی ریشه و مایه دیرینه دارد و حتی با گذشت زمان و پیوستن به مدرنیسم و پست مدرنیسم، تئاتر دینی در ایران از بین نرفته و جایگاه خود را حفظ کرده است و در عرصه نمایش‌های میدانی این آثار مذهبی و دینی تماشاگران بیشتری را هر ساله جذب می‌کند و ما هنوز شاهد این هستیم که در ایام محرم و ماه مبارک رمضان نمایش‌های مذهبی زیادی به ویژه به صورت میدانی و خیابانی برگزار می‌شود و مردم زیادی را به خود جذب می‌کند.

امسال اما به دلیل تفاوت وضعیت دنیا و ایران به‌خاطر شیوع ویروس کرونا اینگونه نمایش‌ها یا لغو شده‌اند یا آنهایی هم که برگزار می‌شوند، با رعایت تمام پروتکل‌ها و فاصله‌های اجتماعی خواهند بود. یکی از نمایش‌هایی که در سال‌های گذشته مورد اقبال زیاد عموم مردم قرار گرفت «خورشید کاروان» است که با پروداکشن قوی و زیاد هرساله برگزار می‌شود و اقبال زیادی کسب کرد و مخاطبان بسیاری در عرصه نمایش‌های آیینی دارد.

از سیاوش‌خوانی تا تعزیه

عده‌ای عقیده دارند آوازه ماجرای عاشورا قبل از تولد امام حسین(ع) در بین انبیای الهی پیچید و سیاوش معادلی برای امام حسین(ع) در میان ایرانیان باستان شد. دامنه آیین سووشون به دوران پس از اسلام و زمان گسترش تشیع کشید و پس از آن برای سالار شهیدان اجرا شد. تعزیه در سال‌های طولانی، تغییرات نرمی داشت اما روح خود را حفظ کرد تا پای تئاتر مدرن به ایران باز شد. اکثر هنرمندان تئاتر ایران راهی جدا از اجراهای تاریخی- مذهبی را پی گرفتند.

به هرحال شاخه دیگری هم پدید آمد که سعی کرد در قالب تئاتر مدرن، محتوای مذهبی شیعی را بریزد. گاهی برای این منظور از تئاتر کلاسیک یونان وام گرفته می‌شد و چیزی روی صحنه‌ها می‌رفت که شبیه نمایشی از یونانیان باستان به شیعیان امروز درباره قیام عاشورا یا سایر رویدادهای تاریخی- مذهبی شیعه شد.

در این‌باره فارس به مناسبت ماه محرم «اپرای عاشورا» کاری از بهزاد عبدی به کارگردانی بهروز غریب‌پور را تحلیل و بررسی کرده که سالیان سال است به طرق مختلف در تهران و شهرها و کشورهای دیگر اجرا می‌شود: اُپرای عروسکی عاشورا نخستین اپرای ملی ایران است که در سال ۱۳۸۷ توسط بهروز غریب‌پور و با موسیقی بهزاد عبدی ساخته شد و در همین سال برای نخستین بار در تالار فردوسی که مخصوص اجراهای عروسکی تئاتر است به کارگردانی غریب‌پور به صحنه رفت و پس از آن بارها در شهرهای مختلف به مناسبت روز عاشورای حسینی و همینطور دیگر کشورها به اجرا در آمد.

اُپرای عاشورا با مطلع ترکیب بند محتشم کاشانی «باز این چه شورش است» اجرایش را آغاز می‌کند. رهبری ارکستر این کار با نصیر حیدریان و مدیریت هنری با علی رهبری در تالار وحدت بود که پس از آن با حواشی روبه‌رو شد و دیگر در تالار وحدت اجرا نشد تا اینکه پس از آن و تا همین الان در تالار فردوسی اجرا می‌شود.

انتشارات بنیاد فرهنگی- هنری رودکی در سال ۸۷ نسخه لوح فشرده آن را تولید کرد و در اختیار علاقه‌مندان قرار داد و هم اکنون نیز علاقه‌مندان می‌توانند از طریق سایت تیوال به تماشای این کار به صورت فیلم تئاتر بنشینند.

این اپرا که بنیان اپرای ملی را در شاخه تئاتر برای ما گذاشته از همنشینی داستان کربلا در قالب موسیقی ردیفی ـ دستگاهی و سنت نمایش آیینی ـ تعزیه مخاطبان خود را در سراسر جهان جلب کرده است.

ترجیع بند محتشم

همانگونه که مطرح شد اپرا با ترکیب بند محتشم آغاز می‌شود و در طول اجرا نیز خود محتشم کاشانی به عنوان راوی کار حاضر است. بهروز غریب‌پور درباره این مرثیه ۱۲بندی محتشم در مصاحبه‌ای می‌گوید: «این مرثیه حاصل عشق و احساس عمیق و ارتباط محتشم با واقعه کربلا و یکی از زیباترین مرثیه‌ها به شمار می‌آید. زمانی که اراده کردم این متن را بنویسم باید از بین شاعرانی که تعزیه داشتند، بهترین شعر را انتخاب می‌کردم. خیلی از این اشعار توانایی خلق اثر منظوم نداشتند و شاعرانشان هم گمنام بودند، اما من باید این اشعار را تبدیل به دیالوگ‌های قابل فهم برای عموم می‌کردم، بنابراین خیلی بین نسخ تعزیه، مقتل‌ها و حتی نوحه‌ها جست‌وجو کردم.

تا زمانی که به مرثیه ۱۲بندی محتشم رسیدم و به نظرم آمد که محتشم در این مرثیه سفری در زمان داشته و در تاریخ سیر کرده است، بنابراین اپرای ما هم از منزل محتشم کاشانی شروع می‌شود و در صحنه پایانی صحرای کربلاست که او هم بین سوگواران قرار دارد.»

> وقتی قرار است اپرا به عنوان هنری غربی، با مفهوم ملی به مخاطبان ارائه شود باید تمام وجوهش وامدار مایه‌های ملی و داشته‌های فرهنگ ایرانی باشد

خیلی‌ها عقیده دارند اُپرای عاشورا مطلعی بر یک واقعه خوب ایرانی است که پس از دیگر اپراها خلق شده است هر چند تفاوت زیادی با سایر اپراهای قبل از انقلاب و حتی غربی دارد و غریب‌پور بسیار تلاش کرده است جنبه ایرانی و مذهبی آن را در مقایسه با سایر اپراهای غربی حفظ کند، بنابراین خود غریب‌پور این کار را یک اپرای عاشورایی با یک تألیف کاملاً ایرانی به همراه موسیقی ایرانی و آیینی می‌داند و به هیچ وجه آن را غربی نمی‌داند.

در تولید اُپرای عاشورا و ارائه آن به مخاطب مهم‌ترین الگو تعزیه به عنوان نمایش آیینی- ایرانی در شاخه هنر ملی- سنتی است. گروه تئاتر عروسکی «آران» به سرپرستی و کارگردانی بهروز غریب‌پور اپرای عاشورا را به منظور احیای فرهنگ اپرای ملی تولید کردند هر چند با نقدهای زیادی هم روبه‌رو شد اما در نهایت این اقبال عموم بود که بر آن صحه گذاشت.

موسیقی سنتی برگ برنده اپرای عاشورا

ویژگی مهم این کار بهره‌گیری از گروه موسیقی حرفه‌ای بهزاد عبدی و آشنایی آنها با نت‌های موسیقی در دستگاه موسیقی سنتی ایران بود. از جمله تولید آواها و فضای موزیکال در موسیقی ردیفی و دستگاه‌های سنتی که به ویژه در تعزیه کاربرد دارد، برگ برنده موسیقی این اپرا شده است. بهزاد عبدی در واقع با روایت موسیقایی اپرای عاشورا به سمت نت‌ها و فرهنگ موسیقی اپرایی غربی نرفت. وی یک بستر آشنا برای موسیقی نمایش ایرانی بر پایه تعزیه بنا نهاد.

از زمان تولید این اپرا با محوریت قیام امام حسین(ع) و روایت کربلا در قامت شیوه نمایش ایران به عنوان اپرای عاشورا نه تنها این اپرا در ایران خیلی تأثیرگذار بوده است بلکه در تمام مجامع بین‌الملل از جمله کشورهای مختلف آلمان، کانادا، لهستان، فرانسه، ایتالیا و... مورد تحسین و تقدیر قرار گرفته و منتقدان جهانی زیادی هم پیدا کرده است.

بسیاری از منتقدان که اپرا را با نت‌های موسیقی غربی می‌شناختند حال در تحیر این موسیقی و نت‌نویسی آن قرار گرفته‌اند و درباره اپرای ملی ایران با موسیقی ملی ردیفی ـ دستگاهی و هارمون نوین بهزاد عبدی و با صداهای درخشان موسیقی سنتی از جمله محمد معتمدی و دیگر آوازخوانان با خلق حماسه ماندگار واقعه کربلا لب به تحسین باز کردند.

بهروز غریب‌پور کارگردان و طراح این اثر هنری درباره خلق اپرای عاشورا در مصاحبه‌ای می‌گوید: «یک دهه پیش همزمان با نخستین اجرای اُپرای عاشورا، هدف گروه نمایش آران حرکت به سوی نمایش موزیکال در شاخه اُپرا برای تحقق مفهومی به نام اُپرای ملی ایران بود که در این بین نکته مهم‌تر آن که در ساخت، پرداخت و ارائه اپرا با مفهومی برای مخاطبان ایرانی از آشناترین مفاهیم فرهنگی ایران یعنی مبانی دینی، مذهبی و معنوی برای ارائه و تولید اثر به مخاطب بهره بردیم.»

به گفته این کارگردان تئاتر امروز گروه تئاتر عروسکی آران جز این اپرا کارهای زیادی از جمله اپرای مولوی، خیام، حافظ، سعدی، لیلی و مجنون و... را به اجرا برده است و مهم‌ترین دلیلش هم گام صحیح در معرفی این هنر به مخاطبان است که بزرگ‌ترین حماسه تاریخ اسلام همانا مفهوم عاشورا و قیام امام حسین (ع) تولیدی فاخر و هم شأن خود در هنر آیینی پیدا کرد.

وقتی قرار است اپرا به عنوان هنری غربی، با مفهوم ملی به مخاطبان ارائه شود باید تمام وجوهش وامدار مایه‌های ملی و داشته‌های فرهنگ ایرانی باشد. وقتی ایران از قدمت و سابقه کهن در گونه موسیقی ردیفی - دستگاهی و موسیقی سنتی و کلاسیک بهره‌مند است ما هم تصمیم گرفتیم تا از هنری مانند تعزیه با قدمتی بیش از سه قرن در ایران که مهم‌ترین مکمل آن هنر موسیقی مخصوصاً موسیقی سنتی ایرانی است برای احیای مفهوم اپرای ملی و شکل‌گیری اپرای عاشورا بهره گیریم.

وقتی اپرای عاشورا از تعزیه وام می‌گیرد

هنر تعزیه امروزه بزرگ‌ترین گونه نمایشی آیینی ایران در شاخه هنر ملی ـ سنتی محسوب می‌شود و مهم‌ترین الگوی اپرای عاشورا هم قرار گرفته و در مفهوم عاشورا و روایت حماسه کربلا و قیام امام حسین(ع) در نگاه قصه‌گویی زیبا نشسته است.

سال گذشته نیز این اپرا همزمان با آغاز ماه محرم با آهنگسازی بهزاد عبدی دهه دوم شهریور ماه در تالار فردوسی به اجرا درآمد.

از جذابیت‌های کار غریب‌پور و اپرای عروسکی او، زیبایی وافر عروسک‌ها و خلاقیت در ساخت آنها و همینطور انعطافشان است که البته هر چند به عروسک‌گردانی هنرمندان عروسکی هم مرتبط است اما خود ساخت عروسک‌ها هم عالمی دارد. غریب‌پور درباره ساخت عروسک‌های اپرای عروسکی عاشورا در جایی گفته بود: «طراح عروسک‌ها علی پاکدست و سرپرست کارگاه عروسکی مریم اقبالی است. تمامی اعضای گروه تئاتر آران در ساخت و تولید این نمایش مشارکت کردند، بنابراین تا زمان اجرا ساخت این ۱۰۰ عروسک به پایان رسید.»

غریب پور همچنین می‌گوید: «موفقیتش را مدیون اپرای عاشورا و ماندگاری آن است که البته بین غیر مسلمان‌ها و دیگر کشورهای غربی هم طرفدار زیادی کسب کرده است. تمام تلاشم را کردم تا اثری ماندگار خلق کنم، بنابراین به نظرم این کار نقطه آغاز تحول از شیوه اپرای غربی به شیوه ایرانی است و موفق شدیم ایفای نقش و نحوه آوازخوانی به شیوه تعزیه با دستگاه‌های ایرانی طراحی کنیم که خود اهل موسیقی هم شاید آن را باور نکنند.»

منبع: خبرگزاری فارس

نقد سریال

درون آینه روبه‌رو چه می‌بینی؟

محسن خیابانی

سریال ترکیه‌ای «شخصیت» این حس فقدان را در ما زنده می‌کند که چرا در کشور خودمان آثاری که بتوانند مخاطب بین‌المللی جذب کنند ساخته نمی‌شوند.

به محض شنیدن گروه اسمی «سریال‌های ترکیه‌ای» یاد انبوهی از سریال‌های صد قسمتی (وگاه چند صد قسمتی) با پرداخت مبتذل پیرامون عشق و خیانت می‌افتیم. مجموعه‌هایی تلویزیونی که غیر از خود مردمان ترکیه، مخاطبان بسیاری را در ایران و چند کشور دیگر جذب کرده‌اند با تکیه بر مواردی مثل: خطوط داستانی ساده، شخصیت‌پردازی حداقلی، جاذبه‌های جنسی، طبیعت زیبای ترکیه، زندگی‌های تجملاتی و... حتی اغلب سریال‌های تاریخی ترکیه‌ای، بیشتر از آنکه در پی رسیدن به ساختاری تأویل‌پذیر و تفکربرانگیز بر تاریخ کشورشان باشند، ساختاری پیش پا افتاده را دنبال می‌کنند و بازیگرانی که فقط گریم و لباسشان با مردم امروزی فرق می‌کند، بازی‌شان همان مردان و زنان ملودرام‌های امروزی را به یاد می‌آورد!

اما همه را نمی‌توان به یک چوب راند و همان‌گونه که در میان فیلم‌های عامه‌پسند هندی، آثار خوش‌ساخت و محترمی وجود دارد، بین سریال‌های پرطرفدار ترکیه‌ای هم ساخته‌های ارزشمند و خوبی مشاهده می‌شود. یکی از این موارد، مینی‌سریال ۱۲قسمتی «شخصیت» (محصول ۲۰۱۸) است. این سریال جنایی و روانشناختی، توانایی رقابت با بهترین همتایان امریکایی و اروپایی‌اش را دارد و حتی از خیلی‌هایشان می‌برد! شخصیت در حال حاضر امتیاز ۹/۱ و رتبه ۲۴ بهترین سریال‌های IMDB را از آن خود دارد!

داستان این مجموعه، درباره «آگه» یک کارمند جزء بازنشسته دادگاه است که پی می‌برد در مراحل اولیه ابتلا به آلزایمر قرار دارد و همین انگیزه‌ای برای یکسری از قتل‌ها توسط او می‌شود. آگه معتقد است فراموشی باعث از بین رفتن عذاب وجدانش می‌شود. بازگشت دختر و نوه او از استرالیا به ترکیه و ورود یک پلیس زن به پرونده قتل‌ها همه چیز را پیچیده‌تر می‌کند...

سریال شخصیت عاری از ضعف نیست و در قسمت‌های اولیه دختر و نوه آگه شخصیت‌هایی اضافی و بی‌کارکرد در درام به نظر می‌رسند البته بعد از چند قسمت، بخش مهمی از بار داستان بر دوش این دو نفر قرار می‌گیرد و این مشکل برطرف می‌شود. همچنین پایان‌بندی اثر، ممکن است برای همه رضایت‌بخش نباشد. با وجود چند ضعف ریز و درشت دیگر، در نهایت کفه نقاط قوت این مجموعه، سنگین‌تر است تا نقاط ضعف آن.

نقش آگه را «هالوک بیلگینَر» بازی می‌کند که از بزرگ‌ترین بازیگران ترکیه است و علاقه‌مندان سینما، او را با اثر برنده نخل طلای کن و خواب زمستانی (نوری بیلگه جیلان، ۲۰۱۴) به خاطر می‌آورند. بخش مهمی از جذابیت سریال بر دوش جانسو دِرِ است که نقش یک افسر پلیس زن به نام نِورا را بازی می‌کند که پایش به پرونده قتل‌های آگه باز می‌شود. سریال ابتدا یک جنایی سرراست و صرفاً سرگرم‌کننده به‌نظر می‌رسد ولی به‌آرامی تبدیل به اثری روانشناختی با مایه‌های تند انتقادی، سیاسی و اجتماعی می‌شود: فساد در نیروهای پلیس، گروه‌های محلی و شبه مافیایی در ترکیه، قربانیان تجاوز و... فقط بخشی از مسائلی است که به آنها پرداخته می‌گردد. از مهم‌ترین سؤال‌هایی که سریال برای مخاطبانش مطرح می‌کند این است که چقدر ماهیت وجودی انسان به خاطره‌هایش بستگی دارد؟

رسیدن به درکی کامل از داستان این مجموعه، پس از تماشای قسمت پایانی محقق می‌شود که بسیاری از کنش‌های آگه و تصمیماتش در قسمت‌های دیگر را معنا می‌بخشد. پایان‌بندی شخصیت از این جهت اهمیت دارد که نه تنها یکی از ویژگی‌های فرمی سریال‌های جنایی (وجود پیچش داستانی در قسمت آخر) را به‌خوبی به کار می‌برد بلکه از این تمهید فرمی برای کامل کردن جهان معنایی خود بهره می‌جوید. از منظر فیلمبرداری، برخی از عدم تعادل‌ها در قاب‌بندی اثر جذاب است و گاهی مخاطب را به یاد دو فیلم ایدا (۲۰۱۳) و جنگ سرد (۲۰۱۸) (هر دو ساخته پاول پاویلکوفسکی) می‌اندازد. یکی از جذابیت‌های سریال نیز به خود زبان ترکی برمی‌گردد که به مدد دیالوگ‌های خوب و هنرنمایی بازیگران، بسیار شیوا ادا می‌شود و این برای اغلب ما که به دیدن سریال‌هایی با زبان انگلیسی عادت کرده‌ایم، می‌تواند بسیار جذاب باشد. دیدن سریال «شخصیت» دوباره این حس فقدان را در ما زنده می‌کند که چرا در کشور خودمان - با توجه به جمعیت قابل توجه ترک‌زبانان - فیلم‌ها و سریال‌هایی به زبان ترکی (البته ترکی آذری) این‌قدر کم تولید شده‌اند؟ و نکته دیگر آنکه چرا در ایران به مخاطب خارج از مرزها فکر نمی‌شود و همه محصولات تنها به جذب مخاطب داخلی نظر دارند که البته اغلب در جذب این محدوده مخاطب نیز توفیقی کسب نمی‌کنند. این درحالی است که تماشاگر ایرانی، سریال با کیفیت ایرانی را بر سریال‌های خوب خارجی ترجیح می‌دهد، اما مدیران فرهنگی به این نیاز ملی وقعی نمی‌نهند.

فرم اشتراک روزنامه جوان

- ۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سیبا ۰۱۰۵۹۵۲۳۰۴۰۰۷ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمائید.
- ۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمائید.
- ۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.
- ٤. لطفا کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید.
- ۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمائید.

نام: ____ نام و نام خانوادگی: ____ تلفن تماس: ____

نام شرکت یا موسسه: ____ کدپستی الزامی است: ____

نشانی: ____

هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.

سه ماهه	۶ ماهه	نه ماهه	یکساله
۸۲۵/۰۰۰	۱/۷۵۰/۰۰۰	۲/۴۷۵/۰۰۰	۳/۳۰۰/۰۰۰

توضیح: ایثارگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند.

آدرس: خیابان میرزای شیرازی، خیابان پانزدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم

تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴ نمابر: ۸۸۳۴۱۶۵۰

روزنامه جوان